



دانشجوی انقلابی

■ مرتضی فیروزآبادی

سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف



<http://www.teribon.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

یاد دو شهید احمدی روشن و شهید اهل قلم سید مرتضی آوینی که الگویی برای فعالیت‌های امروز ما و شما هستند و در این بحث هم بسیار از آن‌ها یاد خواهیم کرد را گرامی می‌داریم.

۱. طرح مسئله

اول باید به این سؤال جواب دهیم که چرا این مسئله (ویژگی‌های دانشجوی انقلابی) موضوعیت پیدا کرده است و چرا نیازمند توجه به این بحث هستیم.

چند عامل کنار هم موجب شده که چنین خلائلی احساس شود:

اولین مقدمه اینکه مجموعه‌ای از آرمان‌ها هست که ما بدان تعلق داریم و دوست داریم این آرمان‌ها در کشور محقق شود و پیش برود که به طور خلاصه می‌توانیم از آن به عنوان آرمان‌های جمهوری اسلامی یاد کنیم.

دومین مقدمه اینکه همه احساس می‌کنیم که این آرمان‌ها به طور کامل به ثمر نرسیده است و حرکت دقیق‌تر و جدی‌تری برای تحقق آن‌ها نیاز است. به طور نسبی این ذهنیت وجود دارد که باید کارهای جدی‌ای در این خصوص انجام شود.

نکته سوم اینکه بخش مهمی از ما مفهومی به نام روحیه انقلابی را به دلایلی که به آن رسیده‌ایم حلال مشکلات می‌دانیم. تصور می‌کنیم که اگر قرار است کاری انجام شود به آن روحیه احتیاج هست. لذا باید آن را شناخت. البته شناختش هم کفایت نمی‌کند و باید آن را عملی کرد و به سمت آن حرکت کرد؛ یعنی دانستن اینکه روحیه انقلابی چیست آن یک موضوع است، عمل کردن به آن موضوع دیگری.

چون ما در فضای فناوری هستیم از فناوری مثال می‌زنم. تفاوت بین دانستن و توانستن تفاوت میان علم و فناوری است. اگر از دانسته به توانمندی برسیم به آن فناوری می‌گوییم. این بحث هم از همین جنس است که غیر از دانستن باید به آن توانمندی برسیم و روحیه انقلابی در عمل تجلی پیدا کند.

بزرگ‌ترین ظلمی که یک فرد در حق خودش می‌تواند انجام دهد آن است که چیزی را بداند و به آن عمل نکند و ضربه بزرگ‌تر این است که در مقابل این مسئله که به دانسته‌هایش عمل نمی‌کند چشم‌هایش را ببندد. نتیجه این می‌شود که افسار زندگی از دست خود فرد در می‌آید. باید همت داشته باشیم که هر چه میدانیم عمل کنیم مگر آنکه عمل نکردن ناشی غفلت باشد.

۲. روش‌شناسی بحث

نکته بعد اینکه چطور می‌توانیم روش‌شناسی را می‌شناسیم و ویژگی‌هایش را بیان می‌کنیم؟ چند منبع را خدمتتان ارائه می‌کنم

اولین منبع الگوهای است که ما الآن به طور عمومی می‌توانیم بیان کنیم و ادعا می‌کنیم الگوهای برای عنصر انقلابی بودند. شناختن این الگوها خیلی مهم است. امثال شهید بسیجی مصطفی احمدی روشن. لذا یک راه این است که این الگوها را تفسیر کنیم؛ بدین معنا که این آدم چه مختصاتی داشته است و چگونه بوده که دشمن او را هدف قرار داده است. روش دیگر تجربه است که ببینیم در کشور چه تحولاتی رخ داده است و آن کسانی که این تحولات را ایجاد کرده‌اند چه مختصاتی داشته‌اند. خیلی از آن‌ها گمنام بوده‌اند. باید دید چه کسانی بوده و چگونه عمل کرده‌اند. البته عهد نشده است کسی که در دنیا اثر بزرگی داشته است حتماً مشهور هم باشد. جنگ مصداق حضور آدم‌های انقلابی گمنام بوده است؛ جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی یا مسئله هسته‌ای یا پیشرفت‌های علمی کشور همه مرهون عناصر انقلابی ای است که اتفاقاً گمنام هم هستند.

فرد بزرگواری تعبیری دارد که هر جا در کشور تحولی رخ داده است مصطفایی (احمدی روشن) بوده که از خودش گذشته است. اگر پروژه مسکن مهر در کشور پیش رفته است حتماً کسی بوده که ایده پردازی کرده و جلو برده تا بدین نقطه رسیده است. باید دید مصطفای این عرصه که بوده، چه کرده و چطور زندگی کرده است. این هم یک روش رسیدن به ویژگی‌های عنصر انقلابی است.

۳. آسیب‌شناسی اجمالی فضای بچه‌های حزب‌اللهی

بحث دیگر آسیب‌شناسی فضای بچه‌های حزب‌اللهی است.

به طور مختصر باید گفت که حس انقلابی بودن از خیلی از ماها گرفته شده است؛ یعنی نمونه‌ای از زندگی در جامعه ارائه می‌شود که هزینه ندارد و در جهت انقلاب هم هست و برای نسل جوان به تدریج الگو می‌شود. ما درسمان را می‌خوانیم؛ مسئولیت‌های اجتماعی سیاسی را هم به عهده می‌گیریم؛ حقوق قابل قبول هم دریافت می‌کنیم و وضع مالی مان خوب می‌شود؛ یعنی زندگی می‌کنیم، مذهبی و ظاهراً انقلابی هستیم، حس می‌کنیم داریم خدمت می‌کنیم و... این به نظر من یک مقدار مشکوک است.

بر اساس تعالیم دینی انقلابی بودن نباید این قدر راحت باشد و راحت ایجاد شود و همه چیز سر جای خودش باشد. این یکی از آفت‌های مهم فضای دانشجویی ماست که بالأخره این‌طور زندگی‌ای الگوسازی می‌شود و عوارضی دارد که در بحث باز خواهد شد.

در ذیل این مسئله کلان به سه آفت می‌شود اشاره کرد:

اول اینکه مسئله خدمت به جامعه و اثرگذاری در کشور قربانی خودسازی می‌شود. این از تفکراتی است که از قدیم بوده است که اول باید خودسازی کنیم و بعد جامعه سازی. در دوره‌هایی آدم مجبور می‌شود که برخلاف آن حرف بزند؛ یعنی بعضی وقت‌ها آدم‌ها این قدر فعالیت اجتماعی‌شان زیاد می‌شود که باید به آن‌ها باید تذکر داد که این فعالیت اجتماعی پشتوانه‌ای می‌خواهد و احتیاج به خودسازی دارد اما الآن طرف دیگر پر رنگ شده است.

اینکه الآن سکوت کنیم و به هوای خودسازی و این تصور که ما قرار است در آینده به کار بیاییم؛ غلط است. این موجب شده است که الآن ده‌ها کار روی زمین مانده است الآن صد‌ها اتفاق در کشور می‌افتد که فضای دانشجویی نسبت به آن بی‌تفاوت است. یک بیانیه‌ای، یک حرکتی، حتی یک تلفن برای مشورت انجام نمی‌شود. البته خودسازی پشتوانه حرکت اجتماعی است. منتها تقدم زمانی ندارد. تقدم رتبی دارد؛ یعنی باید همیشه در خودسازی از جامعه سازی جلوتر بود اما هیچ‌کدام هیچ‌وقت تعطیل نمی‌شوند.

دومین آفت طراحی و حرکت به سمت اینکه گرفتن مسئولیت و به عبارت بهتر قدرت در آینده است و این تصور که گرفتن مسئولیت اصلی‌ترین راه خدمت ما به کشور است؛ یعنی نیت آدم مخدوش می‌شود. دوستانی داریم که دارند برنامه‌ریزی می‌کنند که ما فردا می‌خواهیم وزیر شویم. رفتارشان را با آن اقتضائات تنظیم می‌کنند. نتیجه این می‌شود که در بخشی از جنبش دانشجویی مطالبه کردن، معترض بودن، منتقد بودن جای خود را می‌دهد به رفاقت با مسئولین و جریان‌های سیاسی و سکوت در قبال مسایل کشور و اتفاقاتی از این دست که مقام معظم رهبری تذکری هم در این باره به فضای دانشجویی دادند. ایشان فرمودند:

رقابت بر سر پست و مقام. خب، در یک دوره‌ای دانشجویهای تشکلهای اسلامی و ارزشی منزوی بودند؛ مسئله‌ی پست و مقام و احیاناً چرب و شیرین و این‌ها مطرح نبود، اما حالا گوشه و کنار ممکن است مطرح باشد؛ لذا مراقب باشید. یکی از لغزشگاه‌های بزرگ ما انسان‌ها و افراد بشر، همین رقابت‌های بر سر پست و مقام و آبرو و این‌هاست، که آدم‌های گردن کلفت را گاهی به زمین می‌کوبد.^۱

بحث دیگر فضای مدرک زدگی است که شامل بچه‌های حزب‌اللهی هم شده است. درس خواندن کار مهم و کلیدی است اما به هر حال ابزار و وسیله کار مهم تری است. نباید این قدر اصالت پیدا کند که آن هدف اصلی را تحت شعاع قرار دهد. مسئله این است که ایفای نقش در فضای کشور در دوره دانشجویی نباید متوقف شود. البته درس هم نباید روی زمین بماند. منتها جایگاه درس در زندگی باید در پازل کلان ایفای نقش برای کشور باشد.

۴. مؤلفه‌های دانشجوی انقلابی

۴.۱. کار برای خدا

ویژگی اصلی عنصر انقلابی که کار سختی هم هست کار برای خداست. همه این‌ها را بلدیم؛ همه کلماتی را در این جهت می‌شنویم. تکلیف‌گرایی، معامله باخدا، اخلاص در کار، معامله باخدا و... این‌ها عنصر اصلی است.

^۱ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

ما باید بتوانیم در خلوت، خودمان را قانع کنیم که در عرصه شخصی و عرصه اجتماعی و هر عرصه دیگری، کاری که انجام می‌دهیم یا نمی‌دهیم برای خداست.

در جستارهای سایت حضرت آقا این بحث را جستجو کنید و فیش هاش را ببینید (+ +). ایشان مکرر در این خصوص صحبت کرده‌اند.

مسئله کار برای خدا خیلی مهم است، چون دنیای مقابل ما دنیای پر زرق و برقی است و شیطانی است که خودش را در قالب چیزهای متنوع و متعدد نشان می‌دهد. در مناجات شعبانیه از حجاب نور صحبت شده است چون کارهای خوبی را می‌توان انجام داد ولی برای خدا نباشد. امام (ره) هم درباره این موضوع توضیحاتی دارند.

در قران هست که «لیبلونکم ایکم احسن عملاً» یعنی شما را با کار خوب آزمایش نمی‌کنیم بلکه با بهترین کارها آزمایش می‌کنیم.

آقا در زمینه توکل بر خدا می‌فرمایند: «ان نصرالله ینصرکم» را دیگران خوانده‌اند، ما تجربه کردیم بنابراین برای خدا کار کنید؛ هدفتان را خدایی انتخاب کنید؛ خداوند راه را باز می‌کند. این را حضرت آقا به دولت اخیر توصیه کرده‌اند^۲.

در مؤلفه‌هایی که بعد می‌گوییم توضیح داده می‌شود که چرا این اصل است مثلاً ممکن است در طول کار سرزنش‌ها پیش بیاید؛ ممکن است سختی‌ها و دشواری‌ها در کار باشد. ممکن است ده‌ها نفر در کنار ما باشند که با خدا جوری معامله کرده باشند که کارهای پر زرق و برق انجام بدهند و مطرح شوند و امثال این شرایط و ما غبطه بخوریم که بقیه به جایی رسیدند و ما جا ماندیم و امثال این شرایط. بسیار امر مبتلا بهی است. لذا به این دلایل و برای مواجهه با این شرایط که یک نوع امتحان است، انسان باید با خدا معامله کرده باشد و خود را با آن بسنجد و به واسطه معامله با خدا حسرت گذشته را نخورد. اصل این است و این طوری هم نیست که دنیا انسان‌ها را از امتحانات جدی مصون بدارد.

شهید اوینی در کتاب فتح خون می‌نویسند: «و تو ای آنکه در سال شصت و یکم هجری هنوز در ذخایر تقدیر نهفته بودی و اکنون، در این دوران جاهلیت ثانی و عصر توبه بشریت... پای به سیاره ی زمین نهاده ای نو مید مشو... که تو را نیز عاشورایی است و کربلایی که تشنه ی خون تو ست، و انتظار می کشد تا تو زنجیر خاک از پای ارده ات بگشایی و از خود و دل بستگی هایش هجرت کنی و به کهف حصین لا زمان و لا مکان ولایت ملحق شوی...»

این حرف شهید اوینی، منطقی است؛ که می‌گوید برای شما روزی پیش می‌آید که باید تصمیمی از آن جنس بگیری. به صورت عینی فتنه ۸۸ نمونه این سال‌ها است که بسیاری از افراد انقلابی رفوزه شدند. این اتفاقات خیلی دور از ذهن و دسترس نیست.

این اصل است که انسان باید بین دنیا و آخرت یکی را انتخاب کند اگر فرد تکلیفش را با خدا روشن کند؛ خداوند او را کمک می‌کند و برکت عطا می‌کند حتی اگر به ظواهر دنیایی دست پیدا نکرد؛ و اگر این کار را نکرد به کاروان انقلاب لطمه

^۲ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>

می زند. در فتنه ۸۸ همه مسئله فتنه گرها نبودند. بخشی هم همین به ظاهر حزب‌اللهی‌ها بودند که ظاهر کارشناسی داشتند و به خاطر چند تا نقد کارشناسی نسبت به دور اول دولت آقای احمدی‌نژاد نسبت به فتنه سکوت کردند تا آن فضای غبارآلود شکل بگیرد و تا مدت‌ها بعد از انتخابات هم سختشان بود حرف بزنند. معتقد به تقلب و این‌ها نبودند یک بغض شخصی نسبت به دولت باعث شد که وقتی نظام احتیاج داشت که افراد رأی و نظرش را بیان کنند آن‌ها سکوت کردند. باید دعا کنیم که ان‌شا‌الله بتوانیم مسئله‌مان را خدا حل کنیم و فعالیت‌هایمان در مسیر خدا باشد.

موارد بعدی که ذکر می‌شود؛ ویژگی‌های آدم انقلابی است که خودشان منتج کار برای خداست. البته بعضی از این‌ها را آدم برای خودش هم می‌تواند انجام دهد منتها از نشانه‌های آدم‌های انقلابی هم هست به شرط اینکه برای خدا باشد. مثلاً هزینه دادن یک ویژگی آدم انقلابی است از اعتماد به خدا توکل کردن به خدا، آمادگی برای هزینه دادن ناشی می‌شود. البته الزاماً این کار برای خدا نیست ممکنه برای خودش هم باشد. سختی بکشد که پیشرفت کند و برای زندگی شخصی هزینه بدهد.

۴.۲. ولایت‌مداری

این که ولایت‌مدار کیست موضوع سخنرانی مفصلی است و آفت‌های جدی در این زمینه داریم [\(ر.ک سخنرانی در محضر مقام معظم رهبری\)](#) اما ولایت‌مداری اگر به درستی انجام شود چند اثر دارد:

اولین آن در تعیین اولویت‌هاست. ما باید اولویت‌هایمان را از رهبری بگیریم. شهید احمدی‌روشن قبل انرژی هسته‌ای کجا بوده است؟ در [کتاب یادگاران](#) نوشته شده است ایشان در مجموعه دفاعی کشور فعال بودند و در خصوص سوخت موشک تحقیق می‌کردند. در آن کتاب نوشته شده است که مصطفی وقتی خبر شلیک موشک‌های فلسطین را می‌شنید خوشحال می‌شد؛ یعنی ایشان در سیستم سوخت موشک مشغول بوده؛ آن هم موشکی که مستقیم به دشمن حقیقی می‌خورده است. چرا باید این کار را رها کند و برود در انرژی هسته‌ای؟

به نظرم غیر از اولویت رهبری و اینکه در مقطعی فرموده بودند سنگر آنجاست نمی‌توان دلیل دیگری را متصور بود. هیچ چیز دیگری جز تکلیف‌گرایی نمی‌تواند چنین انگیزه‌ای را ایجاد کند. رهبری خط مبارزه را نشان داده‌اند پس باید رفت آنجا مشغول شد

برای همین نقل می‌شود در خاطرات ایشان که هر وقت عصبانی می‌شد با مشت روی میز می‌کوبید که بالأخره اینجا را آن طوری که آقای خامنه‌ای می‌خواهد می‌سازیم. هدفش را مطابق با خواسته ولایت تنظیم می‌کرد.

نکته دیگر تکیه به رهبری در فتنه و گذرگاه است. در روزگار خوشی و در زمانی که ما نظرم‌ان با رهبری یکی است؛ ولایت‌مداری آسان است. ولی مهم‌تر هنگامی است که فتنه‌ای، مسئله‌ای پیش بیاید که تا حالا برای ما پیش نیامده است. آن روز ولایت‌مداری ما مشخص می‌شود باید خودمان را با رهبری تنظیم کنیم. برخی به جای تنظیم؛ خودشان را با رهبری توجیه می‌کنند.

به کرات ما در فضای حزب‌اللهی و رفتارهای سیاسی داریم که خودمان را با رهبری توجیه می‌کنیم

علاوه بر این در ولایتمداری پیروی از «ولایت فقیه» مهم است نه پیروی احساسی از یک فرد. چرا بعد از امام عده‌ای ریزش کردند چون آن‌ها شخص امام را قبول کرده بودند نه ولایت فقیه را. خود ولایت فقیه مهم است و باید به آن اعتقاد داشته باشیم و شخص را هم باید قبول داشت. تبعیت پذیری مهم است.

آیات اول سوره بقره به این موضوع اشاره دارد. «یومنون بالغیب» یکی نشانه‌های ایمان است. ولایت یکی از شقوق ایمان به غیب است. لذا در ولایت مداری پیروی آگاهانه از ولایت فقیه درست است و نه کورکورانه و نه پیروی از شخص به معنی اینکه اگر شخص عوض شد رکن ولایت فقیه را هم قبول نداشته باشیم.

نکته دیگر در بحث ولایتمداری تعامل دو طرفه با رهبری است که از بحث پیروی آگاهانه هم حاصل می‌شود. اینکه ما جرئت داشته باشیم و همت داشته باشیم که اگر نکته‌ای را لازم می‌دانیم به اطلاع ایشان برسانیم. مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویی با دانشگاه امام صادق^۳ در پاسخ به سؤالی درباره تعارض نظر محققان با نظر ایشان می‌فرمایند که شما مأمور به فکر هستید و نتیجه آن برای برنامه‌ریزی کشور مفید است.

شورای علمی بسیج دانشکده فنی دانشگاه تهران یک نامه خدمت آقا می‌دهد که فلان آماری که در سخنرانی فرمودید غلط است و نامه محترمانه‌ای می‌فرستند. حضرت آقا جواب می‌دهند که سلام من را به جوانان برسانید و از نکته‌ای که گفتید کاملاً متشکرم.

۴.۳. آمادگی برای هزینه دادن

مسئله دیگری که نقطه اصلی ما در فضای دانشجویی است آمادگی برای هزینه دادن است این تصور که می‌توان انقلابی بود و هزینه نداد تصور غلطی است مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۹۱ می‌فرمایند:

«یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمان‌ها بدون هزینه امکان‌پذیر است. ما در دوران مبارزات هم می‌دیدیم؛ بعضی‌ها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌ای بدهند، قدمی بردارند. امروز چنین کسانی هم هستند؛ تصور می‌کنند که باید به هدف‌ها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجایی که پای هزینه دادن در میان است، عقب می‌کشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیاری از موارد موجب می‌شود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطی را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند.»^۴

^۳ بنابراین این سؤال که ما چه بکنیم یا این سؤال که اگر نتیجه‌ی تحقیقات ما با نظر رهبری مخالف درآمد، چه کار کنیم؟ اینها به نظر من سؤالات خیلی اصولی و منطقی نیست. شما مأمور به پژوهشید، شما مأمورید به این‌که فکر و کار کنید، نتیجه به دست آورید و آن نتیجه‌ی شما را رهبری و غیررهبری به عنوان دستاوردهای علمی بگیرند و براساس آن، برای کشور برنامه‌ریزی کنند. تحقیق علمی، شأن و خصوصیتش، آزادی است؛ منتها عقلایی؛ بی‌انضباط نباشد.

^۴ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20534>

یک سؤال باید از خودمان پرسیم که ما برای انقلاب چه هزینه‌هایی دادیم که حاضر نیستیم آن‌ها را برای خودمان بدهیم؟ برخی از سختی‌ها هست که انسان برای پیشرفت خودش هم حاضر است بدهد. از جنس سخت‌کوشی است. منتها بیایم نامایماتی که برای انقلاب تحمل کردیم و برای خودمان و منافع فردی مان حاضر نیستیم تحمل کنیم را لیست کنیم. حالا مقایسه کنید مثلاً با شهید بهشتی. متصور است روزی ما عنصر انقلابی باشیم که آن همه به ما تهمت بزنند و با بایستیم و کارمان را بکنیم؟ کوهی از تهمت‌ها را به آدم بزنند و حتی خارج از انقلاب بدانند؟^۵ رفتار خیلی از ماها این‌طوری است که اگر حس کنیم انگ ضد ولایت‌فقیه می‌خوریم؛ می‌رویم استعفا می‌دهیم که انگ را نخوریم.

شهید بهشتی ایستاد کارهایش را انجام داد تا به شهادت رسید و امام چنان پیامی برای شهادتشان دادند. حزب‌اللهی‌هایی هستند که الآن تمام زندگی‌شان را برای انقلاب خرج کرده‌اند و هزینه داده‌اند و عده‌ای آن‌ها را خارج از ولایت‌فقیه می‌دانند و میدان‌های کشور را برای آن‌ها می‌بندند و آن‌ها خیالشان نیست و میدان دیگری را باز می‌کند و می‌روند جلو. ولی در حزب‌اللهی‌های جدید این حال نیست که اگر انگ خورد، هزینه‌اش را بدهد ولی مسیر کشور را پیش ببرد. حالا به برخی دوستان می‌گوییم که فلان کار را بکنید می‌گوید اگر حراست احضارمان کرد چه کنیم؟ حالا به دوستان می‌گوییم بیا پایان‌نامه‌ات را در این خصوص انجام بده برای کشور مهم است مورد نیاز کشور است می‌گوید قبول دارم ولی از آن مقاله ISI در نمی‌آید دکترا قبول نمی‌شوم.

یعنی ما به اندازه یک مقاله حاضر نیستیم گذشت کنیم و هزینه بدهیم. مقایسه کنیم با شهید احمدی‌روشن. اول رفت اصفهان به خاطر سلاقی مدیریتی در گزینش رد می‌شود. بعد می‌رود نطنز آنجا چه قدر سختی می‌کشد، حتی از غنی‌سازی اخراج می‌شود؛ بعد می‌رود در سانتیفریور سازی و... و در همه این عرصه‌ها عنصری انقلابی و موثر و در متن تحولات است.

من طرفدار هزینه‌تراشی نیستم و روش‌هایی که هزینه‌تراشی می‌کند را قبول ندارم. طرفدار نقض قوانین کشور هم نیستم. به قانون‌های کشور هم باید احترام گذاشت. منتها غیر از این است که مسیر انقلاب را بشناسیم به سمتش حرکت کنیم ولو اینکه هزینه داشته باشد. به هر حال طی یک مسیر انقلابی هزینه داد.

برای کار اثرگذار باید آدم هزینه بدهد. از مسایل دنیایی بگذرد تا بتواند اثر بزرگی در کشور بگذارد. خط قرمز نباید این باشد که نباید هزینه بدهیم و آسیب بینیم. اگر هزینه داشتن شد خط قرمز عملاً معنایش این است که ما خودمان را محور قرار دادیم و نه خدا را.

^۵ در طول آن دو سال و اندی که آن جریانهای مخالف در این کشور خیلی فعال بودند، علیه چه کسانی توطئه کردند؛ علیه چه کسانی بدگویی کردند؛ با چه کسانی در عالم ذهنیت و مباحثات و مجادلات بیشتر درافتادند؟ با کسانی بیشتر دشمنی می‌کردند که می‌دیدند در عالم روشنگری افکار مردم، اینها توان بیشتری دارند. بعضیها را با تهمت از میدان خارج می‌کردند؛ بعضیها را با تضعیف و اهانت از رو می‌بردند؛ لیکن بعضی مثل شهید بهشتی را نمی‌شد با این چیزها از میدان خارج کرد؛ آن وقت به این شیوه ترور متوسل شدند و شهید بهشتی و دیگران را در آن حادثه به شهادت رساندند. بعد هم مرحوم شهید باهنر و شهید رجایی و امثال اینها را شهید کردند. اینها شهدای هویت اصلی اسلامی نظامند؛ چون در مقابل دشمنان ایستادند. خون مطهر آنها خیلی هم اثر کرد؛ انصافاً سالهای متمادی مردم را بیدار و آگاه کرد؛ امروز هم الهام خودش را دارد.

۴.۴. احساس بدهکاری به انقلاب اسلامی

یک ویژگی دیگر این است که انسان انقلابی خود را بدهکار انقلاب می‌داند نه طلبکار انقلاب. متأسفانه در حزب‌اللهی ما خودمان را کسی می‌دانیم و احساس می‌کنیم ما داریم کار می‌کنیم برای انقلاب. پس جمهوری اسلامی باید ما را تحویل بگیرد و برایمان شرایط را فراهم کند و از این دست انتظارات. بالأخره الآن ما فهرست طولانی‌ای از انتظارات از مسئولان داریم. نباید این گونه باشد که اگر تشری زدند، امکاناتی ندادند، شرایطی که مد نظر ما نبود فراهم نشد و... بگوییم حالا که قدر ما را نمی‌دانید ما دیگر کار نمی‌کنیم. اگر چنین شد و ما چنین احساسی به ما دست داد طلبکار شده‌ایم. اگر احساس کردیم قدرمان را نمی‌دانند و دوست داشتیم قدرمان را بدانند طلبکاری است. البته مطالبه از مسئولان لازم است، مطالبه امکانات و... منتها توقع داشتن و به ویژه کار را متوقف به تحقق مطالبات کردن غلط است. وظیفه‌مان قانع کردن مسئولان است؛ ولی اگر ندادند نباید از انقلاب طلبکار باشیم. در دوره اخیر رفقای که کارهای مهمی مثل مسکن مهر و یا برنامه تریا را جلو بردند؛ همیشه لطف خدا ورود زبانشان است. تصور امثال من این است که اگر فلانی نبود یک و نیم میلیون محروم مسکن نداشتند؛ اما با خودش که حرف می‌زنیم می‌گوید خدا لطف کرد این کار شد حتی از خودش هم اسم نمی‌آورد. این باید ادبیاتمان شود که کار لطف خداست. احمدی روشن اگر می‌خواست از کشور طلبکار باشد، به این مقام نمی‌رسید، اخراجش کردند گفت اخراجتون می‌کنم؛ سنگ‌اندازی کردند، سنگ را از میان راه برداشت؛ امکانات نبود، تلاش کرد و فراهم کرد. در برخی از مجموعه‌های انقلابی حقوق را ۲۰ درصد کمتر از متوسط می‌دهند؛ به عنوان بدهی به انقلاب. ببیند چند درصد افراد حاضرند این بدهی را بپردازند و کار انقلابی را جلو ببرند.

۴.۵. استقامت در کار

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«استقامت کردن اساس کار است؛ و آلا یک وزنه‌ی سنگین را آدم ضعیفی مثل بنده هم ممکن است بردارد و یک لحظه سر دست بلند کند؛ لیکن نمی‌تواند نگه دارد؛ آن را می‌اندازد. قوی و کنده‌ی کار، کسی است که بتواند این وزنه‌ی سنگین را ظرف مدت لازم سر دستش نگه دارد. خیلی از ماها نیت‌هایمان خوب است و با نیت خوب وارد می‌شویم؛ اما نمی‌توانیم این نیت را نگه داریم؛ این نیت در اثنای راه به موانعی برخورد می‌کند؛ سایش پیدا می‌کند؛ کمرنگ و ضعیف می‌شود و حیثاً یک جاذبه‌ی قوی معارضی دل را - که جایگاه نیت، دل است - به سوی خودش جذب می‌کند؛ یک وقت نگاه می‌کنید، می‌بینید اصلاً نیت رفت؛ نیت یک چیز دیگر شده؛ آن وقت راه انسان عوض می‌شود»^۷

در حزب‌اللهی ما استقامت نداریم کار را شروع می‌کند، سختی‌اش که رسید رها می‌کند. با قشری از حزب‌اللهی‌ها رو به روییم که هر روز مشغول یک کاری هست این کار را امروز شروع می‌کند فردا یک کار دیگر چرا چون شرایط فراهم نبود.

^۷ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>

برخی کارها شروع کردند مهم است ولی خیلی کارها مهم‌تر از شروعش ادامه دادن آن است. شهید احمدی روشن که هدف انقلابی برای خود داشت و خودش را مسئول آن هدف دانست، در زمان تعلیق صنعت هسته‌ای از معدود افرادی بود که کار می‌کرد. منطقی این بود: موقعی که تعلیق برداشته می‌شود باید با سرعت بیشتر خودمان را برسانیم لذا کار علمی می‌کرد در مقطع تعلیق.

برای استقامت باید سنگ‌ها را برداشت نه اینکه هدف را عوض کنیم یا کل کار را بی‌خیال شویم. هزاران مانع جلوی مسکن مهر بود دوستان کار را جلو بردند و بعد از این هم ادامه خواهند داد. ده‌ها شرایط فراهم بود که این عزیزان مسئولیت بهتر بگیرد ولی به این کار اعتقاد داشتند و خود را مسئول می‌دانست که اگر این روحیه نبود کار می‌خواهید. لذا استقامت کردند. برای استقامت باید آدم باید احساس تکلیف کرده باشد. این یک ارتباط مستقیم است. یکی از وعاظ در آسیب‌شناسی فعالیت‌های حزب‌اللهی می‌فرمودند، کارهای بچه‌های حزب‌اللهی سه اشکال دارد یا تداوم ندارد یا عمق ندارد یا تکثیر نمی‌شود.

به هر حال هدف ذکر این نکته بود که کار در کشور جلوی مانع هست و باید مقابل مانع ایستاد. اگر توجیه می‌کنید عوامل بیرونی را در انجام نشدن کار، بدانید در استقامتتون خلل هست. مسکن مهر با دست خالی شروع شد ایده چند جوان بود که منطق‌های علمی جدی داشت. ایده چند فرد بود که صفر تا صد را انجام دادند. روزی نبود که با مشکل مواجه نشوند و برای حل آن کار همت نکرده باشند.

مطالب مرتبط در سایت مقام معظم رهبری (± ± ±)

۴.۶. مأموریت داشتن

اینکه انسان برای خودش مأموریت قائل باشد و میزان پیشرفت آن را ارزیابی کند خیلی مهم است. اگر تعمیرکار موبایل باشید یا شیرینی فروش، شب به شب متر می‌کنی که امروز آنقدر پول در آوردیم دیروز این قدر و خود را اصلاح می‌کنید تا پیشرفت کنید. در انقلاب آیا ما میدانیم مسئول چی هستیم که شب به شب متر کنیم که امروز این قدر پیشرفت کردیم یا عقب بودیم و جبران کنیم؟

تنبلی دیگران برای آدم انقلابی اجازه نمی‌دهد کار نظام روی زمین بماند. حتی مانع‌تراشی هم کار او را متوقف نمی‌کند. آدم انقلابی اگر برای خودش مأموریت قائل شد ناراحت نمی‌شود که پوستر بچسباند یا جارو کند در راستای آن مأموریت. الان متأسفانه خیلی‌ها برای خودشان شان قائل هستند که کارهای دست پایین انجام ندهند.

۴.۷. امید داشتن

عنصری که توکل به خدا داشته باشد هرچقدر هم مشکلات سخت باشد پنجره‌های امید را می‌بندد و برای آن تلاش می‌کند. امید یک مسئله‌ای است که مستقل از واقعیت هم متصور است. اگر شما ۱۰۰ کیلومتر بخواهید بروید و یک کیلومتر رفته

باشید و امید داشته باشید که می‌رسید؛ مطمئن باشید که می‌رسید ولی اگر ۹۹ کیلومتر رفته باشید ولی مدام آیه یاس بخوانید که نرسیدیم و نمی‌رسیم و... نمی‌رسید و در اثنای راه متوقف می‌شوید.

ما پیشرفت‌هایمان زیاد بوده است ولی راه‌های طی نشده هم زیاد است. دلیل نمی‌شود که راه‌های طی نشده ما را ناامید کند.

حضرت آقا می‌فرمایند:

عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله‌ی سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه‌دارید. هر چه می‌توانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطبان‌تان زنده نگه‌دارید. با امید است که می‌شود پیش‌رفت. امید هم بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیت‌ها کاملاً ما را به درستی آن نوید می‌دهد.^۷

۴.۸. حضور صحنه

عنصر انقلابی چون خاک‌ریزهای انقلاب را می‌شناسد به موقع و با قدرت در خاک ریزی که می‌تواند حاضر می‌شود. مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در سال ۹۱ فرموده‌اند:

حضور فیزیکی و فکری در مسائل عمومی کشور از سوی مجموعه‌ی دانشجویی حتماً لازم است. هم حضور فکری لازم است؛ با همین رسانه‌های دانشجویی، با اجتماعات دانشجویی، با اظهاراتی که اینجا و امثال اینجا ممکن است بکنید، با ارائه‌ی نظراتتان به دستگاه‌های ذی‌ربط و وزارت‌های مربوط - اگر اهل اقتصادید، به دستگاه‌های اقتصادی؛ اگر اهل مسائل فرهنگی هستید، به دستگاه‌های فرهنگی نامه بنویسید، پیشنهاد بدهید، نظر بدهید، اعلام موضع کنید.^۸

اگر کشور را آب برد و ما حس نداشتیم موضع بگیریم انقلابی نیستیم. مثلاً علم و فناوری جز سنگ‌هایی هست که رهبری گفته‌اند و چندین بار بعد از انتخابات تاکید کرده‌اند. یک بیانیه علمی بنویسید که آقای روحانی علم و فناوری مهم است و این انتظارات از دولت وجود دارد. این‌ها حداقل انتظارات از فضای دانشجویی است.

۵. لوازم انقلابی

درباره لوازم انقلابی بودن چهار لازمه را می‌توان ذکر کرد

^۷ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>
^۸ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

۵.۱. سازندگی اخلاقی و خودسازی.

سازندگی اخلاقی و خودسازی یک نکته کلیدی برای انقلابی بودن است. خیلی از مسایل دانستنی نیست از جنس فناوری است یعنی توانستنی است. اینکه ساده زیستی را قبول داشته باشیم کافی نیست باید تمرین کنیم که ساده زیست باشیم. مردمی شدن احتیاج به تمرین دارد. اینکه فکر کنید یک روز وزیر شدید و از آن روز مردمی می شوید این طوری نیست. باید مدت ها کار کرد تا بحث اخلاقی و رفتاری را فرد در خودش جا بیندازد ولی مثل آب خوردن از بین می رود. تربیت کردن خودمان جز مسایل مهم است. تبعیت از ولایت فقیه راحت نیست باید تمرین کرد.

اینکه بغض انقلابی به کینه شخصی تبدیل نشود احتیاج به تمرین کردن دارد. در عرصه شخصی به دوستانی که باهم اختلاف نظر دارید کمک کنید، محبت کنید و... در مقام انقلابی هم جدی باهایش بحث کنید. ما باید مواظب ضعف های شخصیتی باید باشیم. خیلی رأی ها در مجلس و یا جاهای دیگر به خاطر رودربایستی های شخصی است و مصلحت انقلاب قربانی رودربایستی شخصی می شود.

مقام معظم رهبری در ذیل شمردن عوامل قوت درونی نظام در دانشگاه علم و صنعت می فرمایند: اگر رودربایستی ها، ضعف های شخصی، ضعف های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین المللی مسئولین کشور حاکم شود. اگر این مغزهای حقیقی و این بخش های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی کند...^۹

الآن باید تلاش کنیم. هیچ تحولی یک شبه ایجاد نمی شود. باید از الآن به فکر بود.

کتاب فتح خون یک انسان شناسی کامل است (درباره ابعاد فتح خون) که در بطن تفسیر واقعه کربلا ارائه شده است. در این کتاب شهید آوینی نقل می کند که در کربلا شخصیتی وجود دارد به نام ضحاک. ضحاک تا ظهر با امام حسین جنگید. اصحاب که کشته شدند آمد و از امام خواست که اجازه بدهید من بروم و امام اجازه دادند و از صحنه کربلا فرار کرد. اگر خودمان را تربیت نکرده باشیم در لحظه های حساس آدم جا می زند. شهید آوینی می فرماید خوف، فرزند شک است و شک، زاییده شرک و این هر سه، خوف و شک و شرک، راهزنان طریق حق اند... که اگر با مرگ انس نگیری، خوف، راه تو را خواهد زد و امام را در صحرای بلا رها خواهی کرد. شب هر چه در خویش عمیق تر می شود، اختران را نیز جلوه ای بیشتر می بخشد و این، سرالاسرار شب زنده داران است. اگر ناشئه لیل نباشد، رنج عظیم روز را چگونه تاب آوریم؟ آقا در دیدار با رئیس جمهور محترم فرمودند اگر اهل شب زنده داری هستید خوش به سعادتتان و اگر نیستید از همین امشب شروع کنید که مسؤولیتی که برعهده گرفته اید سنگین است.

روی موضوع ریزش های انقلاب کار کنید ببینید آدم ها کجا ها ضربه خورده اند ترس، تکبر، پول. تعلق و...

^۹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>

۵.۲. توانمندی

یک مؤلفه مهم دیگر نیروی انقلابی توانمندی است. باید کاری از شما برای انقلاب بر بیاید. شهید احمدی روشن توانمندی اش با انقلابی بودنش جمع شد که به احمدی روشن تبدیل شد. باید در عرصه‌ای آن قدر توانمند باشیم که بگوییم اگر انجام ندهیم کار رو زمین می ماند این همان حس مسؤولیت است. آن کاری که مختص شما باشد را پیدا کنید و به بهترین کیفیت انجام دهید.

البته توانمندی در جنگ ایجاد می شود. همان طور که قبلاً هم گفته شد دچار سؤال انحرافی خودسازی و دیگر سازی نشوید. این دو نسبت به هم تقدم زمانی ندارند که اول خودسازی کنیم بعد در جامعه کار کنیم و برعکس. هیچ عنصر انقلابی هیچ وقت وظایف انقلابی اش تعطیل نمی شود. تجلی عینی تر این موضوع مقام معظم رهبری است که از ۱۳ سالگی در کف مبارزه است تا امروز. هم به خودسازی پرداختند و درعین حال هیچ روزی هم مبارزه را کنار نگذاشته اند. خودسازی نسبت به دیگر سازی تقدم رتبی دارد؛ یعنی در توانمندی بیشتر از آنچه که در جامعه کار می کنیم باشیم. البته از درس هم برای کار انقلابی نباید زد. از خوابتان بزنید، از بحث های الکی که در خوابگاه هاست بزنید. به درستان برسید. برای کار بسیج از خواب و تفریح و... بزنید. ۶ ساعت بخوابیم و دو ساعت به نماز و عبادت و... بعد به باقی کارها برسید ۱۴ ساعت کار درس و کار و این ها میدانید چقدر می شود؟

برای رشد و توانمندی دنبال آزمایشگاه و پرورش گاه و... نروید. نیرو در جنگ ساخته می شود نه آزمایشگاه و پرورشگاه. اگر کسی دغدغه نیروسازی و توانمند شدن دارد باید برود. روش های نیروسازی که به تن آسایی ختم شود، مرد میدان جنگ تولید نمی کند.

۵.۳. بنیان معرفتی

برای انقلابی بودن بنیه معرفتی جدی لازم است. هم در معارف دینی که به نوعی الآن در طرح ولایت و... دیده می شود و هم در ابعاد دیگر نظیر تاریخ معاصر و تاریخ اسلام، اندیشه امام و رهبری و... درباره اهمیت این عنصر می شود مفصل صحبت کرد. این عنصر به یقین کمک می کند و باعث می شود تردید در مسیر حرکت و مبارزه ایجاد نشود و انسان مسیر را اشتباه طی نکند. ما الآن متأسفانه مطالعه عمیق بر اندیشه های رهبری هم انجام نمی دهیم.

روی موضوع معرفت آقا تاکید فراوان دارند. در دیدارهای سال های اخیر مکرر تاکید کردند بر موضوع معرفت. در یک دیدار هم به طور صریح فرمودند: عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه ها و پرسه زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید!^{۱۰}

البته این موارد را ذیل خودسازی هم می شود گفت. متنها از باب اهمیت جدا شدند.

^{۱۰} <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

۵.۴. تعامل با محرومان هست

تعامل با محرومان داشتن خودش یک نشانه است که فرد انقلابی هست یا نه. اینکه فرد نسبت به اطرافش و مردم بی تفاوت نیست یک نشانه است و اثر متعددی دارد؛ انسان را مردمی، دردمند، صرفه جو و... بار می آورد. انسان را حتی اخلاقی تربیت می کند.

در دانشگاه‌ها آدم هست که پول ژتون غذا ندارد و ته مانده غذا سلف را می خورد. اگر شما بسیجی باشید و همچنین موردی را نشناخته باشید به شما اشکال وارد است. در سیره تمام بزرگان این هست. روایت‌های متعدد در خصوص ائمه هست در خصوص امیرالمؤمنین یا امام حسین یا امام باقر که داشتند کیسه جابه‌جا می کردند که صحاب گفتند بگذارید ما انجام دهیم گفتند من امام باید انجام دهم

حضرت امام خمینی (ره) در پیام قطعنامه می فرمایند: تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.^{۱۱}

الآن به واسطه سیاست‌های غلط آموزش عالی، بچه مرفه راحت تر دانشگاه قبول می شوند و فضای عمومی دانشگاه از خانواده متوسط به بالا تشکیل شده است و این توجه به این مؤلفه‌ها را سخت می کند.

در وصیت امیرالمؤمنین، ایشان قسم می خورد برای رسیدگی به ایتام و محرومان^{۱۲}

البته الآن گروه‌هایی هستند که کارشان کمک به محرومان هست. این خوب است ولی بخشی از آن‌ها کار انقلابی نمی کنند.

ما می گوئیم آنکه در روز شمشیر تیز می کشد بر کفار، در شب باید بیاید برای حمایت از محرومان؛ یعنی این مسئله برای عنصر انقلابی موضوعیت دارد مانند نماز شب است که باید در زندگی عنصر انقلابی حتماً باشد

برای اینکه مبارزه انقلابی به مبارزه لوکس روشنفکری احزاب سیاسی تبدیل نشود باید به محرومان توجه شود. اهمیت این

مطلب را می توان در اندیشه‌های مقام معظم رهبری هم جستجو کرد (فهرست موضوعی انفاق و محرومان)

انشا الله خداوند همه ما را عامل به آنچه که گفته شد قرار دهد و در این مسیر یاری نماید.

۱۱ پیام حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت قبول قطعنامه

۱۲ الله الله فی الایتام فلا تغبوا افواههم ولا یضیعوا بحضرتکم. والله الله فی جیرانکم فانهم وصیة نبیکم. ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورثهم.